

Wort des Tages لغت روز , stattdessen ausfallen

written by مرتضی غلام نژاد | مارس 7, 2017

stattdessen

به جای آن ، در عوض

Er wollte heute kommen, hat aber stattdessen angerufen

او می خواست امروز بیاید ، اما به جای آن تلفن زد

Kann ich stattdessen die Rechnung unterschreiben?

می توانم به جای آن ، آن صورت حساب را امضاء کنم ؟

Die Party fällt aus – wollen wir stattdessen ins Kino gehen?

آن مهمانی کنسل می شود ، ما می خواهیم به جای آن به سینما برویم ؟

Das Konzert fällt leider aus. Wir können ja stattdessen ins Kino gehen

آن کنسرت متأسفانه لغو می شود ، ما می توانیم قطعا به جای آن به سینما برویم.

ausfallen یک فعل جدا شدنی می باشد

منتفی شدن ، انجام نشدن ، همراه نبودن

یورش آوردن ، ضربه وارد آوردن ،

به نتیجه و حاصل رسیدن ، لغو شدن ، کنسل شدن

گذشته ساده : fielen aus

گذشته کامل : sind ausgefallen

Die Veranstaltung fällt aus

آن اجلاس لغو می شود.

Das Spiel ist ausgefallen

آن بازی کنسل شده است

Das Seminar fällt heute aus

آن سمینار یا کنفرانس امروز لغو می شود

Die Prüfung ist ausgefallen

آن امتحان کنسل شده است